فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال هشتم، شماره سوم (پیاپی ۲۹)، پاییز ۱۳۹۸
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http://serd.khu.ac.ir
صفحات ۱۶۸-۱۵۱

چالش‌ها و تنگناهای توسعه اقتصادی در نواحی روستایی
مورد: روستاهای بخش داشلی‌برون شهرستان گنبدکاووس

علی‌اکبر نجفی‌کانی*؛ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۴/۱۱ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۲/۲۰

چکیده

اقتصاد روستایی یکی از مؤلفه‌های اساسی و مهم در اقتصاد هر کشوری است و در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته توجه به اقتصاد روستایی از اهداف کلان در برنامه‌های توسعه‌ای محسوب می‌شود. در کشور ما نیز با وجود ظرفیت و توان‌های محیطی قوی روستاها در بخش‌های مختلف اقتصادی به خصوص تولید که سهم قابل توجه آن متوجه بخش کشاورزی است، به طور میانگین سهم اقتصاد روستا در اقتصاد کشور با احتساب نفت حدوداً معادل۲۶/۵درصد و بدون احتساب نفت حدوداً معادل ۲۲ درصد است و در مجموع، بین ۲۰ تا ۲۳ درصد از سهم ارزش افزوده تولیدی کشور متعلق به روستاها است. با توجه به اهمیت موضوع هدف کلی پژوهش حاضر بررسی تنگناها و چالش‌ها پیش روی توسعه اقتصادی و ارائه راهکارهایی در راستای توسعه اقتصادی روستاهای مرزی است. این تحقیق به صورت کاربردی بوده و روش آن به صورت توصیفی- تحلیلی و میدانی است و جامعه آماری، روستاهای مرزی بخش داشلی‌برون شهرستان گنبد بوده است. پس از شناسایی و طراحی شاخص‌ها، پرسش‌نامه‌ای تنظیم شد که با استفاده از فرمول کوکران، ۲۰۰ نفر از روستاییان و مسئولان ذیربط به عنوان جامعه نمونه انتخاب و مورد پرسشگری قرار گرفته‌اند و در نهایت با استفاده از آماره‌های توصیفی و آزمون تحلیل‌عاملی در محیط نرم‌افزاری SPSS، داده‌ها مورد سنجش و تجزیه و تحلیل واقع شده است. نتایج حاصل از آزمون تحلیل‌عاملی حاکی از آن بوده که نقاط ضعف و چالش‌ها در چهار دسته (عامل) طبقه‌بندی می‌شود. مهم‌ترین چالش توسعه اقتصادی روستاهای مرزی به ترتیب چالش‌های زیست‌محیطی، نهادی، اجتماعی و زیرساختی است که مجموعاً ۸۴/۳۵ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند و ۱۵/۶۵ درصد باقی‌مانده مربوط به عامل‌هایی است که خارج از محدوده تحقیق حاضر بوده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد روستایی، توسعه اقتصادی، روستاهای مرزی، گنبدکاووس.

*alinajafi_1159@yahoo.com

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۱) مقدمه

بر اساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله که در سال ۱۳۸۴ به تصویب رسیده، ایران باید در سال ۱۴۰۴ کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل باشد. براین اساس رسیدن به جایگاه اول اقتصادی اولین هدفی است که در سند چشم‌انداز به آن اشاره شده است. به لحاظ زمانی، اکنون نیمی از زمان سپری گردیده و تا رسیدن به موعد مقرر حدوداً ۶ سال زمان وجود دارد. در چنین شرایطی، ایجاد حرکت شتابان در مسیر پیشرفت اقتصادی یک ضرورت است. بدین‌ترتیب، برای ایجاد حرکت شتابنده در فرآیند پیشرفت اقتصادی باید اقتصاد و مؤلفه‌های آن را به‌صورت مقاومتی تعریف و هدایت نمود.

اقتصاد مقاومتی به معنی نیرومندکردن اقتصاد و در جهت افزایش سرعت رشد اقتصادی و تولید ناخالص داخلی واقعی است. اقتصاد مقاومتی تشخیص حوزه‌های فشار و تلاش برای بی اثر کردن آن و تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است. بنابراین منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی، یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل(خلیلی،۱۳۹۱: ۷۵). تعبیری که معنای اصطلاحی (نه لغوی) آن به اقتصاد مقاومتی نزدیک می نماید فنریت اقتصادی است که به توان نظام‌یافته یک اقتصاد برای بهبود یا انطباق با آثار شوک‌های برونزای مخرب اشاره دارد. آنچه مهم است این است که بدانیم اقتصاد مقاومتی برای شرایط اقتصادی ویژه امروز ما و در راستای مقاوم‌سازی این حوزه از آسیب‌های هدف‌گذاری شده دشمنان انقلاب برای اقتصاد، تأکید و تبیین شده است. در واقع، اقتصاد مقاومتی به معنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی اثر کردن آن تأثیرها و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است. اقتصاد مقاومتی یعنی اینکه چگونه می‌توان در رابطه با اقتصاد واردات و اقتصاد وابستگی مقاومت کرد؟ مثلاً در بخش کشاورزی باید دید که کالاهای اساسی کدام هستند؟ از طرف دیگر کالاهای استراتژیک کدامند؟ بعد از تفکیک این دو نوع کالا، دولت باید راهکارهایی تدوین کند تا بر اساس آن، تولیدات با نیاز کشور متناسب شوند. با اجرای چنین سیاستی رفته‌رفته از واردات بی‌نیاز خواهیم شد. امروزه با اینکه ظرفیت‌های ویژه‌ای در کشاورزی داریم اما سالانه میلیاردها دلار صرف واردات کشاورزی می گردد.(قمی،۱۳۹۰: ۸۷) بر این اساس به نظر می‌رسد برای تحقق اقتصاد مقاومتی نیاز به ضرورت‌ها و الزاماتی است که باید به عنوان بستر و زمینه عملیاتی‌سازی اقتصاد مقاومتی آحاد جامعه اعم از مردم، نخبگان و مسئولان و دستگاه‌های مربوط نسبت به آن احساس مسئولیت نمایند.

براساس مبانی اقتصاد مقاومتی و اهداف در نظر گرفته شده، در مقاله حاضر سعی شده به بررسی سوالاتی در دو حوزه اساسی تولید و اشتغال پرداخته شود: الف) وضعیت کنونی روستاهای مرزی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

شهرستان گنبد در زمینه تولید و اشتغال چگونه است؟ ب) راهکارهای علمی و عملی در راستای بهبود وضعیت تولید و اشتغال روستاها در ناحیه مورد مطالعه کدام است؟

۲) مبانی نظری

به لحاظ تاریخی می‌توان مقاومت اقتصادی را با انقلاب اسلامی ملازم دانست. این بدان معناست که ماهیت اقتصادی انقلاب اسلامی به‌جهت اصول و اهدافی که مطرح می‌کند نوعی مقاومت را به‌همراه دارد. اقتصاد انقلاب اسلامی، در پی تحقق استقلال اقتصادی، افزایش رفاه عمومی و در پی ساختن اقتصاد پیشرفته است و به طورکلی و اجمالی از همان ابتدای انقلاب مشخص بود که تحقق این اهداف موجب نوعی رویارویی با قدرت‌های اقتصادی جهان خواهد شد. براین اساس اقتصاد انقلاب اسلامی در بطن خود الزامی مبنی‌بر مقاومت و مقاومت اقتصادی داشته است. در عمل نیز مشاهده شد که از همان ماه‌های اول بعد از پیروزی انقلاب اسلامی خصومت‌های اقتصادی دشمنان آغاز شد. تنها هشت ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اولین تحریم‌های اقتصادی از طرف آمریکا علیه جمهوری اسلامی اعمال گردید و اولین خصومت‌ها در این ارتباط شکل گرفت. در دوران دفاع مقدس نیز این نبرد و خصومت‌های اقتصادی دشمنان تشدید شد و تحریم‌های جدی‌تری علیه نظام صورت گرفت. هدف از این تحریم‌ها کاهش قدرت اقتصادی کشور و در نهایت شکست ایران در جنگ درنظر گرفته شده بود. با این حساب ملاحظه می‌شود که رویهٔ مقاومت اقتصادی از همان ابتدا همزاد و همراه انقلاب اسلامی بوده است (مرادی، ۱۳۹۷: ۲۰).

اما دوره جدید خصومت‌های اقتصادی از اواسط دههٔ ۱۳۸۰ به آرامی شکل گرفت. مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۶ به طور صریح بر جنگ اقتصادی قریب الوقوع تأکید کردند. در چنین شرایطی و در آغاز نیمهٔ دوم دههٔ ۱۳۸۰ مطرح شده که جنگ بعدی، جنگ اقتصادی خواهد بود. نیمهٔ دوم این دهه و سال‌های اولیهٔ دههٔ ۱۳۹۰ شاهد طراحی و تدابیر ایشان برای مقابله با این جنگ اقتصادی بودیم که البته نمودهای آن از اواخر سال ۱۳۸۸ پدیدار شد(نظم‌فر، ۱۳۹۷: ۱۴۶، سواری،۱۳۹۶: ۱۸)

رهبر انقلاب از واژه اقتصاد مقاومتی برای اولین بار در سال ۱۳۸۹ در جمع کارآفرینان استفاده کردند. از آن پس بود که این اصطلاح به طور رسمی وارد ادبیات اقتصادی کشور شد. ایشان ادبیات این رویکرد اقتصادی جدید (اقتصاد مقاومتی) را در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ مطرح کردند و بدین‌ترتیب بنیان نظریهٔ اقتصادی جدیدی در این سال‌ها شکل گرفت؛ نظریه‌ای که با مبانی و اهداف خاص خودش و الگوی اختصاصی نظریه‌پردازی ویژه‌ای مطرح شد.

اوج تاریخ اقتصاد مقاومتی نیمهٔ دوم سال ۱۳۹۲ است. با بهره‌گیری از اصل ۱۱۰ قانون اساسی، رهبر انقلاب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام و تعداد

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

بسیاری از اندیشمندان و مدیران با تجربه حوزۀ علوم اقتصادی ابلاغ کردند. با ابلاغ این سیاست‌ها، برنامۀ جدیدی در کشور برای طراحی این نظام اقتصادی و اجرای آن آغاز شد.

بنابراین می‌توان گفت نظریۀ اقتصاد مقاومتی در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ به‌صورت منسجم بیان شد و با ابلاغ سیاست‌های کلی که در چارچوب اصل ۱۱۰ قانون اساسی صورت گرفت، الزامی حقوقی و قانونی برای مسئولان کشور در هر سه قوه ایجاد کرد. به این ترتیب، پایه‌های نظری و قانونی اولیه برای طراحی نظام اقتصادی جدیدی تحت عنوان اقتصاد مقاومتی فراهم شد (عبدالملکی، ۱۳۹۵: ۱۲۷).

همان طوری که اشاره شد، در صورت وجود مخاطرات و شوک‌های اقتصادی اجتماعی، از درون و بیرون، لزوم تدوین راهکارهایی برای مقابله با آنها ضروری خواهد بود، در همین راستا مباحثی حول اقتصاد تاب‌آور و نزدیکی مفهوم آن به این ساختار بیان شد. اما مقاوم‌سازی اقتصادی برای هر کشور بسته به مخاطرات مواجهه با آن، خاص و ویژه است. برای ایران این مسئله متفاوت‌تر خواهد بود، زیرا ایران همواره با تحریم های ناعادلانه ابرقدرتهای جهانی روبرو بوده و بسیاری از آنها منحصر به ایران می‌شده است. ازاین رو گفتمان اقتصاد مقاومتی برای مقابله با شوک‌ها، و تحریم‌ها در کشور شکل گرفت. اما منظور از مفهوم اقتصاد مقاومتی چیست؟ اقتصاد مقاومتی را می‌توان چهارگونه تعریف نمود و چهار الگو از آن یا ترکیبی از همه‌ی آنها را در کشور به عنوان پروژه‌هایی ملی پیگیری کرد(مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۰: ۱۵، لشکری، ۱۳۹۲: ۲۸۹).

الف: اقتصاد موازی

تعریف اول از اقتصاد مقاومتی به مثابه‌ی «اقتصاد موازی» است، یعنی همان‌طور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی، اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته‌ی امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد مسکن نمود، امروز نیز بایستی برای تأمین اهداف انقلاب، این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند. چرا که انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادسازی‌های مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که چه بسا ماهیتاً از عهده‌ی نهادهای رسمی اقتصادی برنمی‌آید. پس باید نهادهایی موازی برای این کار ویژه ایجاد شوند. یعنی ما در کشورمان به «اقتصاد پریم» نیاز داریم. این امر البته به معنای نفی نهادهای مرسوم نیست. همان‌طوری‌که اکنون ما همزمان از هر دو نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نهاد ارتش جمهوری اسلامی برای دفاع از انقلاب بهره‌مندیم. البته این الگو در مدل‌های حکمرانی مرسوم در دنیا و اتفاقاً در کشورهایی که از تجربه و توان حکمرانی بیشتری برخوردار باشند وجود دارد و این کشورها از نظام‌های چندلایه‌ی سیاستگزاری و اداره‌ی امور عمومی برخوردارند. به عنوان مثال می‌توانیم از حضور همزمان نهادهای دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

خیریه و بنگاه‌های خصوصی در عرصه‌ی بهداشت و سلامت یا حتی در عرصه‌ی دفاعی و امنیتی کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی نام ببریم. البته مهم‌ترین مشکل این الگو این است که حسب نیازهای خاص انقلاب اسلامی و در عرصه‌ی اجرا با سؤالات نوینی روبه‌رو خواهد بود، زیرا مثلاً هیچ تصوری از «بانک مرکزی موازی» در یک کشور و سامان‌بخشی به عرصه‌ی پولی- مالی کشور در دو لایه‌ی دولتی و عمومی وجود ندارد. اما باز هم منطقاً نمی‌توان این الگو را در زمره‌ی مدل‌های اداره‌نشدنی و غیرمعقول به حساب آورد.

ب: اقتصاد ترمیمی

تعریف دوم از اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصادی است که در پی «مقاوم‌سازی»، «آسیب‌زدایی»، «خلل‌گیری» و «ترمیم» ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است. یعنی اگر در رویکرد قبلی بیان می شود، نهادهایی در کشور، نمی‌تواند انتظارات ما را برآورده کند، در رویکرد جدید به دنبال آن هستیم که با بازتعریف سیاست‌های نهادهای موجود، ساختاری فراهم آید تا نهادها انتظارات ما را برآورند.

ج: اقتصاد دفاعی

تعریف سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه «هجمه‌شناسی»، «آفندشناسی» و «پدافندشناسی» ما در برابر آن هجمه است. یعنی ما باید ابتدا بررسی کنیم که مخالفان ما حمله به اقتصاد ایران و اخلال در آن را چگونه و با چه ابزارهایی صورت می‌دهند. بنابراین وقتی به اقتصاد مقاومتی دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه‌ی دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آنها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز طراحی و اجرا نخواهد شد.

د: اقتصاد الگو

چهارمین تعریف این است که اساساً اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست. برخلاف سه تعریف قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه‌مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. این تعریف هم که به نظر می‌رسد دور از دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب نیست، رویکردی ایجابی و دوراندیشانه دارد. در این رویکرد، ما در پی «اقتصاد ایده‌آلی» هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه اقتصاد اول منطقه برساند. اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کارآمد بوده و زمینه‌ساز

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

تشکیل «تمدن بزرگ اسلامی» باشد. بدین معنا اساساً در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه‌های مهم الگو می‌باید متضمن مقاومت و تحقق آن باشد. در این راستا اقتصاد مقاومتی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی و ریسک‌پذیری و نوآوری می‌شود. البته همه‌ی این چهار تعریف از اقتصاد مقاومتی به نوعی با هم رابطه‌ی «عموم و خصوص مِن‌وجه» دارند، منتها برخی کوتاه‌مدت و برخی بلندمدت هستند و البته ترکیبی از استراتژی‌های مطلوب را نیز برایمان به تصویر می‌کشند (پیغامی، ۱۳۹۶: ۵۳).

ضرورت وجود اقتصاد مقاومتی و مقاومت اقتصادی

پایه و اساس اقتصاد مقاومتی مقابله با تکانه ها، مخاطرات و چالش‌های مؤثر بر اقتصاد است. از این رو در گام اول، به این سوال پاسخ داده خواهد شد که مخاطرات، چه تأثیری بر روند توسعه کشور خواهد داشت؟ با توجه به شکل زیر(۱)، اگر فرض کنیم EF مسیر توسعه یک اقتصاد در افق بلند مدت را نشان می‌دهد در این مسیر همواره باید منتظر مخاطرات درونی و بیرونی بود به گونه ای که برخی از آنها قابل کنترل و برخی دیگر غیرقابل کنترل هستند. حال اگر در مسیر توسعه، اقتصاد در نقطه A باشد، و در دوره .t مخاطرات بیرونی بر اقتصاد تحمیل شود، که اصطلاحاً به آن تله مخاطرات گفته می شود. در اینجا ورود مخاطره به اقتصاد بستگی به درجه مقاوم بودن اقتصاد خواهد داشت اگر اقتصاد از بعد مؤلفه پابرجایی ضعیف باشد با ورود مخاطره آسیب بیشتری خواهد دید و به جای آنکه به نقطه B' برسد به نقطه $t_2\beta$ خواهد رسید. برعکس هر اندازه درجه پابرجایی اقتصاد بالاتر باشد اقتصاد به جای حرکت به سمت β به نقاط بالاتر از آن حرکت خواهد کرد (مرحله اول). در مرحله بعد دوره ماندگاری اثرات بر اقتصاد ملی است، که بین t_2 و t_3 قرار می گیرد. اقتصاد در این دوره با عنایت به توانایی خود در زمینه افزونگی، کاردانی و تدبیر برای مقابله آماده می‌شود. هر چه اقتصاد زمان بیشتری را در این دوره سپری کند، به صورت طبیعی برگشت اقتصاد به شرایط اولیه خود (در مسیر توسعه) دشوارتر خواهد بود. بنابراین می توان گفت در این مرحله، بسته به نوع و ساختار اقتصاد، هر چه درجه آسیب‌پذیری بیشتر باشد و در مقابل، تاب‌آوری در زمینه‌های افزونگی و کاردانی کمتر باشد، اثرات مخاطرات به تدریج در اقتصاد نمایان و نهادینه خواهد شد (مرحله دوم).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

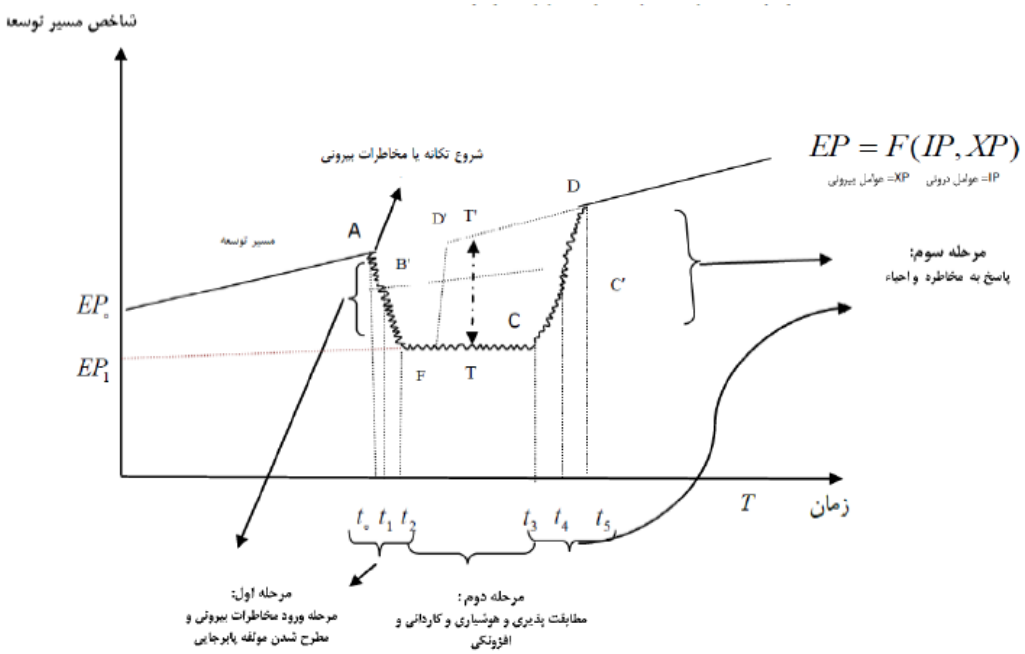

شکل ۱. الگوی اثرگذاری وقوع مخاطرات بر مسیر توسعه

از آنجایی که در مرحله دوم تا حدود زیادی مخاطره و اثرات آن شناسایی شد، سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان اقتصادی در مرحله دوم اقتصاد نسبت به مرحله اول، بهتر می‌توانند شرایط را درک کرده و پاسخ‌های منطقی برای آن اتخاذ کنند تا زمینه برای تغییر جهت مسیر توسعه کشور و برگشت به شرایط اولیه فراهم شود. در این بخش هر اندازه اقتصاد در ویژگی‌های مربوط به تطابق‌پذیری و توانایی احیاء، وضعیت بهتری داشته باشد انتظار بر آن خواهد بود که از نقطه C به سمت بالا و حتی فراتر از C' حرکت کند (مرحله سوم). از این رو باتوجه به مباحث ذکر شده، روشن است که ورود مخاطره و تکانه در اقتصاد، با توجه به ویژگی های درونی اقتصاد، می‌تواند آنرا از مسیر توسعه دور کرده و حتی وضعیت بدتر از قبل برای آن فراهم آورد (جانی و ازوجی، ۱۳۹۳). براساس همین مشکلات بود که برنامه‌ریزان اقتصادی به دنبال راه حلی برای مقابله با این خروج از مسیر توسعه در قبال وقوع مخاطرات و تکانه‌ها بودند. یکی از این راه حلها مقاوم کردن اقتصاد در برابر مخاطرات، شوک‌ها و تکانه‌هاست(شوماخر،۱۳۹۲: ۹، حسینی ، ۱۳۸۸: ۲۴۱).

از این رو به دنبال تبیین مفهوم مقاوت اقتصادی خواهیم بود. منطق مقاومت، بقا و دوام در بهترین وضعیت است. در منطق مقاومت، نوعی فراگیری برای مقابله با نارسائی‌ها و سازگاری برای رسیدن به بهترین وضعیت وجود دارد. در این ساختار، تسلیم شدن در برابر ضربه‌ها و رها کردن وضع به حال خود، هیچ معنایی ندارد. زیرا سازگاری برای تداوم بقا و رسیدن به وضعیت برازنده، در محور نگاه اقتصاد مقاومتی قرار گرفته است. در اقتصاد مقاومتی منطق ایجاد وضعیتی که عموم آن را بپذیرند، مورد قبول

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

است. این وضعیت بهترین امکان در هر شرایط است. بنابراین در این شرایط جامعه می‌پذیردکه برای دستیابی به خواسته‌هایش باید چارچوب‌هایی را قبول کند. اقتصاد مقاومتی را به صورت خلاصه می‌توان اقتصادی عنوان کرد که در آن با تعامل پویا با دنیای خارج و استفاده از امکانات آزاد، امنیت اقتصادی کشور حفظ شده و نوسانات بین المللی اقتصادی و تهدیدهای آن، کمترین تأثیر سوء را در روند بلندمدت متغیرهای کلان اقتصاد داشته باشد. اقتصاد مقاومتی، گفتمان و الگویی اقتصادی- مدیریتی است که ضمن مقاوم‌سازی اقتصاد ملی در برابر تهدیدات و توان تحریم شکنی، با رویکرد عقب راندن نظام سلطه، پیش‌رو، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا و برون‌گرا است. این مفهوم ماهیتی چندگانه دارد که سبب می‌شود تا نتوان آنرا با شاخصی یکتا نشان داد. اما می‌توان برای آن شاخصه‌های کلی زیر را متصور بود:

- نرخ بیکاری پایین
- بهره‌وری بالای نیروی‌کار
- دو قطبی نبودن جامعه
- سرمایه اجتماعی بالا
- تنوع درآمدهای صادراتی کشور
- نرخ رشد اقتصادی بالا و..

در تقسیم‌بندی کلی می‌توان، اقتصاد مقاومتی را به دو بخش بلندمدت و کوتاه‌مدت تقسیم نمود.

اقتصاد مقاومتی بلندمدت: اقتصادی را ترسیم می‌کند که در عین حال هم تعامل پویا با دنیای داخل و هم توانایی مقاومت در برابر تهدیدهای خارجی را داراست.

اقتصاد مقاومتی کوتاه‌مدت: در حقیقت برای گذر از شرایط بحران طراحی می‌شود. در چنین شرایطی، ضمن توجه به چارچوب‌های اولیه علم اقتصاد و عدم تخطی از آنها، ممکن است تصمیم‌هایی اتخاذ شود که تنها برای گذر از شرایط بحران بوده و در بلندمدت تطابق چندانی با مؤلفه‌های علم اقتصاد ندارد که در این میان می‌توان به دخالت دولت در برخی از بخش‌های اقتصاد را نام برد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

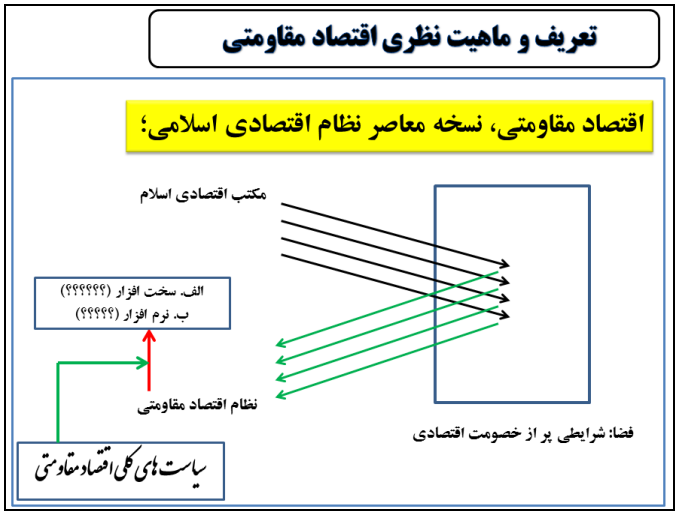

شکل ۲. ساختار مفهومی اقتصاد مقاومتی

با توجه به این تبیین از ماهیت نظری اقتصاد مقاومتی، طراحی این نظام مستلزم دو مقدمهٔ علمی است که عبارتند از:

الف. شناسایی مکتب اقتصادی اسلام (در حوزه‌های مختلف)؛

ب. شناسایی وضعیت کنونی کشور (تحلیل زمانی‌مکانی اقتصاد ایران در حوزه‌های مختلف).

براین اساس فرایند طراحی نظام عبارت خواهد بود از:

- بهره‌گیری از الگوهای نوآورانه در ارزیابی نظام موجود
- و طراحی نظام جدید.

این بدان معناست که نوآوری و ابداع از اهمیت قابل‌توجهی در طراحی نظام اقتصاد مقاومتی برخوردار است و بهره‌گیری از شیوه‌های پیشین به طور کامل کارآمد نخواهد بود. در این بخش از چارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز استفاده خواهد شد. همچنین از دانش اقتصادی متعارف نیز در چارچوب روش شناسی اقتصاد مقاومتی (برآمده از روش‌شناسی نظام اقتصادی اسلامی) بهره‌برداری می شود(شکل ۲).

اما با توجه به مبانی و روش‌شناسی پیشین، مدخل اصلی ورود اقتصاد مقاومتی به عرصه‌های مختلف اقتصادی، دو عنصر بوده که عبارت است از:

۱. عنصر اقتصادی: به معنای برنامه‌ریزی اقتصادی متناسب با شرایط محیطی و...،

۲. عنصر فرهنگی: برنامه‌ریزی فرهنگ اقتصادی در چارچوب ادبیات اقتصاد مقاومتی.

براین‌اساس دو رکن اقتصاد مقاومتی عبارت خواهند بود از: تقویت تولید ملی و فرهنگ اقتصادی که در ادبیات اسلامی آن در عنوان «جهاد اقتصادی» متجلی می‌شود. عملیات تحقق این دو رکن نیز عبارت‌است از: ۱. برنامه‌ریزی اقتصادی در معنای متعارف؛ ۲. برنامه‌ریزی فرهنگی.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

شکل ۳. مدخل ورود اقتصاد مقاومتی به عرصه‌های اقتصادی

توجه به دو رکن تقویت تولید ملی و فرهنگ اقتصادی یا جهاد اقتصادی، محقق را از انحراف در نظریه‌پردازی مصون می‌دارد(شکل۳). بر این اساس تمام الگوهای اقتصادی که منجر به تضعیف تولید ملی یا انحراف فرهنگ اقتصادی از الگوی اسلامی آن (یعنی جهاد اقتصادی) شود، غیرمقاومتی و ضدمقاومتی قلمداد خواهند(نجفی‌کانی، ۱۳۹۶: ۶۵، فال‌سلیمان و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۵)

در شرایطی که برخی از موضوعات و سیاست‌های اقتصادی مقاومتی در سطح ملی قابل طرح و پیگیری هستند (از جمله اصلاح نظام مالی و بانکی، نظام مبادلات ارزی، سیاست‌های تجاری و سیاست-های بخش انرژی)، جنبه‌هایی از این نظام اقتصادی مستلزم توجه به ابعاد جغرافیایی در سطوح زیراستانی (شهرستانی و ...) خواهد بود. برخی از مهم‌ترین موضوعات در این خصوص عبارتند از کارآفرینی، اقتصاد دانش‌بنیان، توجه به مزیت‌های تولیدی مناطق و استان‌ها، امنیت غذایی، توسعه صادرات، ترویج فرهنگ و گفتمان اقتصاد مقاومتی (شکل۴ و۵).

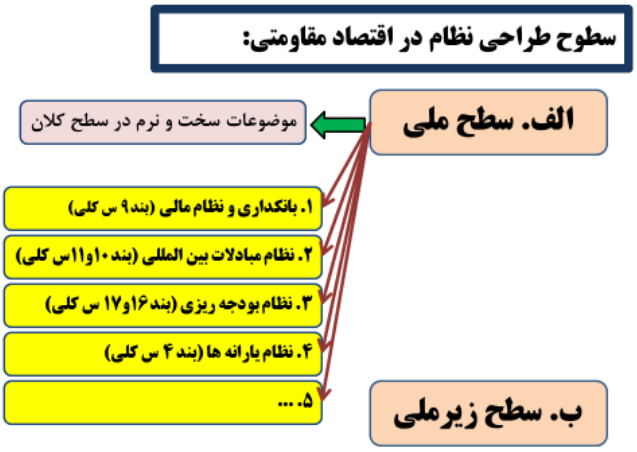

شکل ۴. سطوح طراحی نظام در اقتصاد مقاومتی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

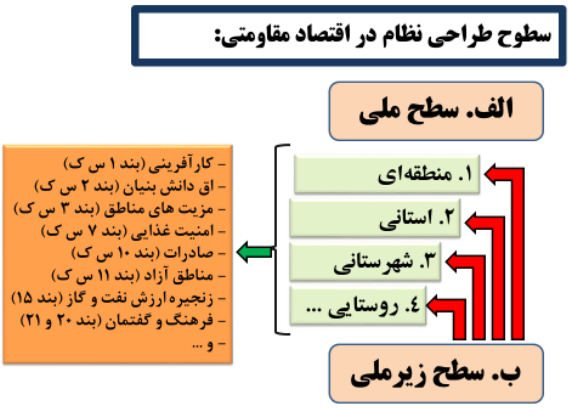

شکل ۵. سطوح طراحی نظام در اقتصاد مقاومتی

پیش از ورود به این بخش نیاز است تا به صورت گذرا با مفهوم اقتصاد دانش بنیان و زیربنای آن آشنا شویم، برای این کار اولین سوال آن خواهد بود که مفهوم دانش چیست؟ برای بیان مفهوم دانش ابتدا سعی می‌کنیم تفاوت آنرا با مفاهیم نزدیکش بیان کنیم. داده و اطلاعات، مفاهیمی هستند که گاهی به اشتباه با دانش یکسان تلقی می‌شوند؛ حتی برخی از اندیشمندان بین دانش، مهارت و نظریه نیز تفاوت قائل شده‌اند. اما می توان گفت که دانش یک سلسله اطلاعات انباشته شده، از تجربه، قضاوت، بینش و ارزش‌های مرتبط با آن‌هاست به عبارت دیگر، دانش یک ترکیب سیّال است که از تجربه، ارزش، مهارت و اطلاعات مرتبط با آن تشکیل شده است بنابراین دانش دیدگاهی متشکل از اطلاعات تخصصی است که از طریق تجربه، آموزش و تمرین بدست آمده است (Engstrom.1994: 294). با توجه به مفهومی که برای دانش ذکر شد، حال باید به این سوال پاسخ دهیم که اقتصاد دانش محور چیست و چه ویژگی هایی دارد؟ ابتدا بهتر است برای روشن‌تر شدن مفهوم اقتصاد دانش محور، تفاوت آنرا با اقتصاد صنعتی و اقتصاد کشاورزی بیان نماییم. با توجه به شکل، زمین، نیروی‌کار و منابع طبیعی محورهای کلیدی رشد اقتصاد کشاورزی بودند و در اقتصاد صنعتی ارکان اقتصاد بر سرمایه و ماشین‌آلات استوار شد که مدیریت در به کارگیری آنها نقش کلیدی ایفا می کرد (Danaeifard,2004:265).

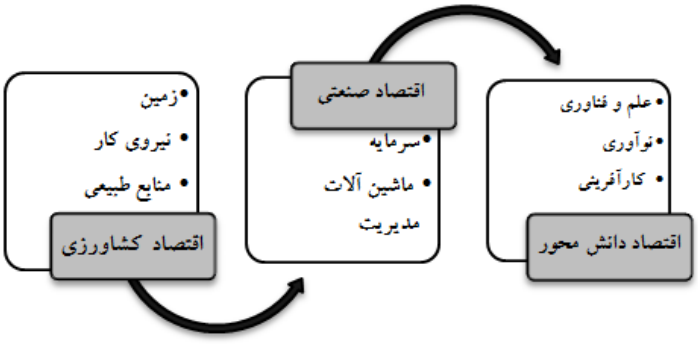

شکل ۶. فرآیند تبدیل اقتصاد کشاورزی به اقتصاد دانش محور

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

در اقتصاد دانش‌محور، علم و فناوری، نوآوری و کارآفرینی ارکان اصلی اقتصاد را تشکیل می‌دهند که همگی ریشه در انباشت دانش دارند. بنابراین اقتصاد دانش‌محور، اقتصادی است که در آن تولید و بهره برداری از دانش نقش کلیدی در رشد اقتصادی و خلق ثروت ایفا می کند. اگر چه عوامل سنتی تولید یعنی نیروی کار، سرمایه، مواد خام و کارآفرینی کماکان باقی می‌ماند ولی دانش شاه‌کلید رشد، خلق ارزش جدید و ایجاد مبنایی برای حفظ موقعیت رقابتی محسوب شده است. بنابراین این نوع از اقتصاد به دو ویژگی بارز اشاره دارد:۱- دانش نسبت به گذشته هم از نظر کمی و هم از بعد کیفی دارای اهمیَت بالاتری است ۲- کاربردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات محرک‌های اقتصادی هستند اما به طور کلی اقتصاد دانش‌محور را می توان به صورت زیر تعریف نمود: اقتصاد دانش‌محور، اقتصادی است که به طور مستقیم بر اساس، تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات قرار گرفته باشد و این مؤلفه‌ها نقش عمده‌ای در ایجاد ثروت ایفا کند (Dasgupta and David,1994:489). در چنین اقتصادی، روند تولید و کاربری دانش به عنوان بخشی از فرصت‌های فراهم شده در قطب‌هایی چون آموزش، تحقیق در موسسات عمومی دانش و تحقیق درتجارت اهمیت ویژه‌ای می‌یابد(مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵؛ رحمانی فضلی، ۱۳۹۸: ۱۳۵).

۳) روش تحقیق

نوع تحقیق کاربردی و روش تحقیق توصیفی- تحلیلی است. در تحقیق حاضر جامعه آماری خانوارهای ساکن در روستاهای مرزی و کارشناسان ذیربط در دستگاههای متولی می باشند. سپس با استفاده از فرمول کوکران ۲۰۰ نفر به عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند. پرسش‌های مورد بررسی در این تحقیق در طیف لیکرت و به صورت پنج درجه‌ای(خیلی‌کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی‌زیاد) تنظیم گردید. پایایی ابزار تحقیق نیز با استفاده از ضریب آلفای کرون‌باخ برای مؤلفه‌های مورد بررسی تحقیق برابر با ۷۶ درصد بدست آمده است. تعداد نمونه‌ها به صورت تصادفی ساده/ سیستماتیک انتخاب شدند که بعد از سنجش با بهره‌گیری از نرم‌افزار Spss و با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی مؤلفه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

شهرستان گنبد کاووس با ۵۵ درجه و ۱۸ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۷ درجه و ۱۷ دقیقه عرض جغرافیایی در قسمت مرکزی استان گلستان واقع شده و از شمال با کشور ترکمنستان، از جنوب با شهرستان‌های آزادشهر و رامیان، از شرق با شهرستان‌های مراوه‌تپه، کلاله و مینودشت و از غرب به شهرستان آق قلا منتهی می شود. وسعت این شهرستان برابر با ۳۲ /۵۰۷۱ کیلومتر مربع بوده که ۸۱ /۲۴ درصد از مساحت استان است. این شهرستان دارای ۲ بخش و ۶ دهستان به شرح زیر می باشد(شکل ۷ و ۸).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

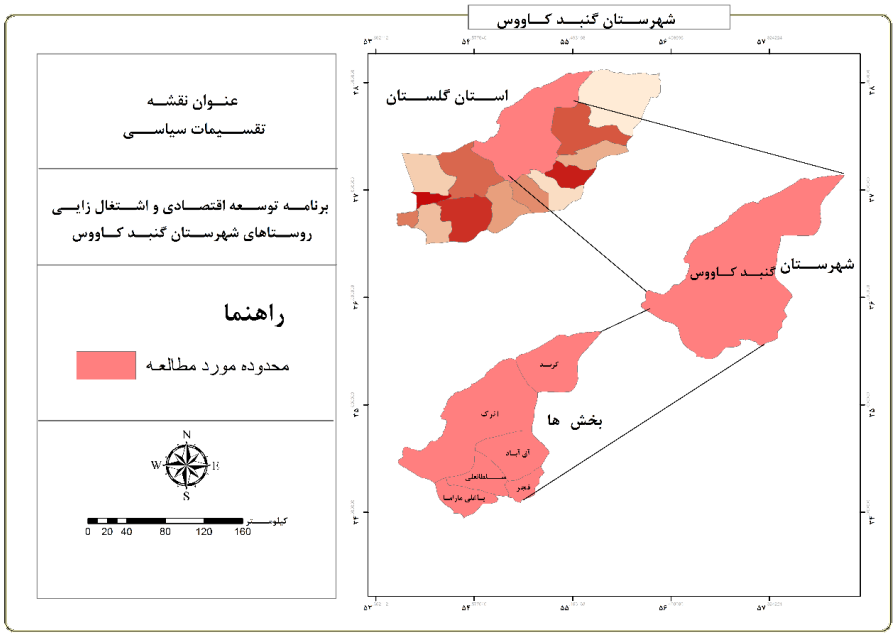

شکل ۷. نقشه موقعیت جغرافیایی و تقسیمات سیاسی شهرستان گنبد در استان گلستان

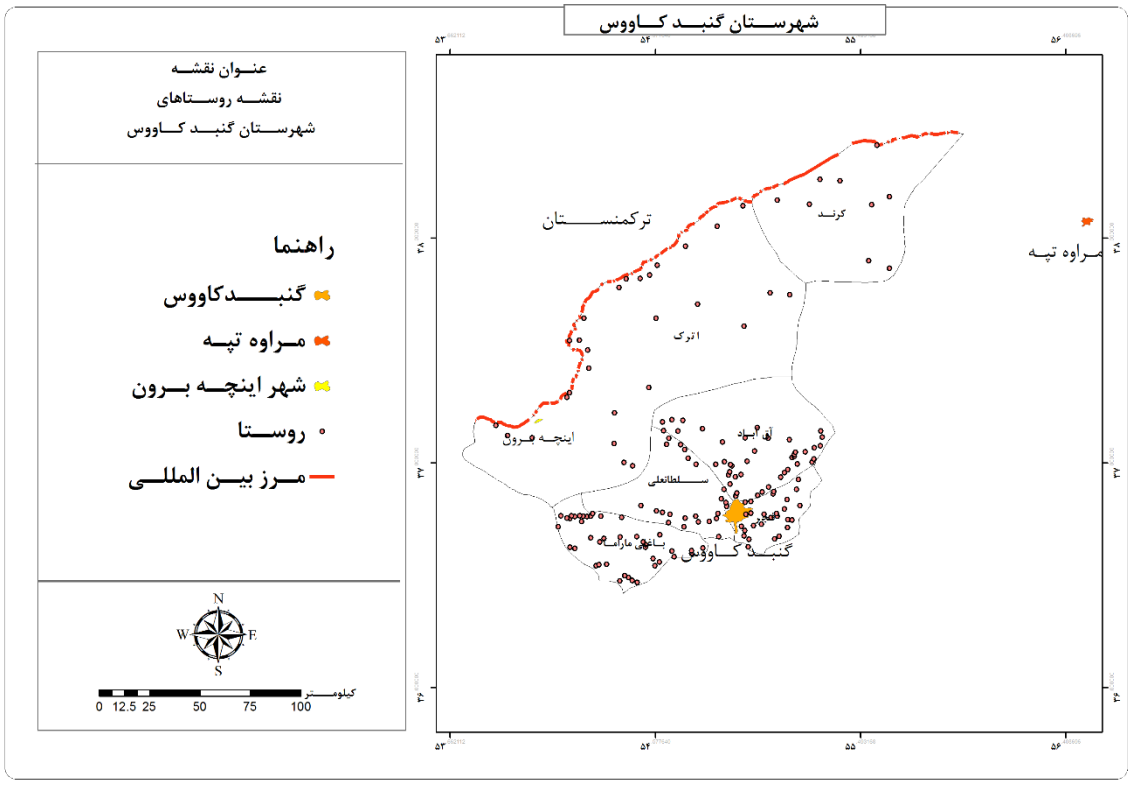

شکل ۸. پراکندگی روستاهای شهرستان گنبدکاووس

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۴) یافته‌های تحقیق

به‌منظور آگاهی از چالش‌های توسعه اقتصادی تعداد ۱۶ پرسش کلیدی طرح شد و در قالب طیف لیکرت و به صورت پنج گزینه‌ای (رتبه ۱ خیلی کم، رتبه۲ کم، رتبه۳ تاحدودی، رتبه ۴ زیاد و رتبه۵ خیلی زیاد) خانوارهای روستایی و مسئولان در ناحیه مورد مطالعه مورد سنجش و آزمون قرار گرفتند. در نهایت مجموع وزن و بارعاملی هریک از مؤلفه‌های بررسی شده تبیین گردید.(جدول۱)

جدول۱. بررسی موانع و چالش‌های اقتصادی در روستاهای مرزی

ردیف	چالش‌ها	مجموع وزن‌ها	میانگین رتبه‌ای
۱	کاهش آبهای سطحی بویژه در روستاهای ناحیه مورد مطالعه به دلیل احداث سد شیرین‌دره در اصلی‌ترین سرشاخه رود اترک	۹۲۵	۴/۶۶
۲	کاهش آبهای زیرزمینی ناحیه مورد مطالعه	۸۷۶	۴/۳۲
۳	خشکسالی‌های پیاپی در سال‌های گذشته و تأثیر منفی آن بر فعالیت‌های زراعی	۷۲۶	۳/۹۳
۴	سوء مدیریت منابع آب دستگاههای متولی در روستاها	۷۲۵	۴/۱۲
۵	تخریب اراضی کشاورزی، مزارع و..	۴۶۶	۲/۳۳
۶	عدم رغبت روستاییان برای فعالیت در زمینه صنایع دستی	۷۸۵	۳/۸۷
۷	گرانی مواد اولیه صنایع دستی و روستایی بویژه فرش، جاجیم گلیم و... و مقرون به صرفه نبودن آن	۶۸۹	۳/۴۴
۸	عدم وجود بازار فروش صنایع دستی و روستایی	۹۵۶	۴/۷۸
۹	عدم خرید تضمینی محصولات صنعتی در ناحیه مورد مطالعه	۸۵۸	۴/۲۹
۱۰	از بین رفتن فرهنگ و آداب و رسوم محلی در زمینه تولید و اشتغال روستایی	۴۹۸	۳/۴۹
۱۱	خدمات‌رسانی نامناسب سازمان‌های ذیربط در زمینه توسعه اقتصادی	۹۰۵	۴/۵۲
۱۲	شبکه حمل و نقل جاده‌ای نامناسب	۶۴۷	۳/۲۳
۱۳	عدم وجود تعاونی‌های فعال در زمینه بافت فرش و ...	۶۸۹	۳/۴۴
۱۴	کاهش پوشش‌گیاهی و مراتع	۷۸۹	۳/۹۴
۱۵	افزایش تعداد جمعیت و به تبع آن عدم تکافوی ظرفیت محیطی برای تامین نیازهای مردم	۷۸۵	۳/۹۲
۱۶	کاهش نسبت وابستگی مشاغل به طرفیت محیطی	۷۳۱	۳/۷۹

میانگین رتبه‌ها برای هر مؤلفه‌ها در طیف لیکرت: (رتبه ۱ خیلی کم رتبه۲ کم رتبه۳ تاحدودی رتبه ۴ زیاد رتبه۵ خیلی زیاد)
ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷.

بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل عاملی مقدار Kaiser Meyer Olkin **(KMO)** نوسعه اقتصادی برابر با ۰/۷۹۴ و مقدار بارتلت ان برابر با ۱۶۲۳/۱۶۱ می باشد و سطح معناداری ۹۹ درصدی را نشان می دهند. و این نتیجه حاکی از همبستگی کامل و معنادار متغیرهای وارد شده برای تحلیل عاملی است. به عبارت دیگر داده‌ها برای تحلیل عاملی کفایت می کنند(جدول۲)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جدول۲. مقدار KMO و آزمون بارتلت

تحلیل عاملی	KMO	Bartlet test	Sig
چالش‌های توسعه اقتصادی	۰/۷۹۴	۱۶۲۳/۱۶۱	۰/۰۰۶

جدول۳. عوامل استخراج شده از تحلیل عاملی

عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد واریانس تجمعی
چالش‌های زیرساختی	۳/۲۱	۱۵/۱۸	۱۵/۱۸
چالش‌های زیست محیطی	۷/۲۸	۲۷/۲۲	۴۲/۴
چالش‌های اجتماعی	۴/۱۲	۱۸/۷۶	۶۱/۱۶
چالش‌های نهادی	۶/۱۴	۲۳/۱۹	۸۴/۳۵

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

همان‌طوری که در جدول ۳ مشاهده می شود چالش‌های توسعه اقتصادی در روستاهای مرزی به ۴ عامل اصلی دسته‌بندی شده‌اند. در این بین چالش‌های زیست‌محیطی با مقدار ویژه ۷/۲۸ و ۲۷/۲۲ درصد واریانس مقدار ویژه به عنوان مهم‌ترین چالش محسوب می گردد و بعد از آن چالش‌های نهادی با ۲۳/۱۹ درصد از واریانس مقدار ویژه به عنوان دومین عامل می باشد. به بیان دیگر چالش‌های زیست-محیطی از قبیل خشکسالی‌های پیاپی، کاهش سطح آب زیرزمینی، تخریب مراتع و پوشش‌گیاهی و ... به عنوان مهمترین چالش‌های محیطی در روستاهای مرزی فراروی توسعه اقتصادی محسوب می شوند. در ضمن چالش‌های نهادی بعد از آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که برای برون‌رفت از آنها اهتمام جدی مسئولان و برنامه‌ریزان امری اجتناب‌ناپذیر است(Najafi kani. 2017: 265)

علاوه بر موارد مذکور چالش‌های اجتماعی با مقدار ویژه ۴/۱۲ و ۱۸/۷۶ درصد واریانس مقدار ویژه و همچنین چالش‌های زیرساختی با ۱۵/۱۸درصد از واریانس ویژه، در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که با توجه به نظرات کارشناسان و روستاییان، مؤلفه‌های بررسی شده در مجموع ۸۵/۳۵ درصد از واریانس کل موانع توسعه اقتصادی در روستاهای مرزی محسوب می شوند و حدود ۱۴/۶۵ درصد باقیمانده مربوط به عواملی هستند که در این تحقیق شناسایی و بررسی نشده‌اند.

وضعیت قرارگیری مجموعه متغیرهای مرتبط با موضوع تحقیق یعنی چالش‌های توسعه اقتصادی در روستاهای مرزی، با توجه به عوامل استخراج شده با فرض واقع شدن متغیرهای دارای بارعاملی بزرگتر از ۰/۵ ، پس از چرخش عامل‌ها به روش واریماکس و نام‌گذاری عامل‌ها، در نهایت از ۱۶ متغیر وارد شده در تحلیل عاملی اکتشافی تمام متغیرها با بارعاملی بالای ۰/۵ در عامل‌های مورد نظر طبقه‌بندی شده اند(جدول ۴)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جدول ۴. تعیین چالش‌های عمده اقتصادی فراروی توسعه روستاهای مرزی با گویه‌ها و بارعاملی مربوطه

ردیف	نام عامل	متغیرها	بارعاملی
۱	چالش‌های زیرساختی	شبکه حمل و نقل جاده‌ای نامناسب	۰/۵۷
		گرانی مواد اولیه صنایع دستی و روستایی بویژه فرش، جاجیم گلیم و... و مقرون به صرفه نبودن آن	۰/۶۴
		عدم وجود بازار فروش صنایع دستی و روستایی	۰/۶۶
		کاهش نسبت وابستگی مشاغل به طرفیت محیطی	۰/۵۳
		خدمات‌رسانی نامناسب سازمان‌های ذیربط در زمینه توسعه اقتصادی	۰/۶۳
۲	چالش‌های زیست-محیطی	خشکسالی‌های پیاپی در سال‌های گذشته و تأثیر منفی آن بر فعالیت‌های زراعی	۰/۷۵
		کاهش آبهای زیرزمینی ناحیه مورد مطالعه	۰/۷۱
		کاهش پوشش‌گیاهی و مراتع	۰/۶۸
		تخریب اراضی کشاورزی، مزارع و..	۰/۷۳
۳	چالش‌های اجتماعی	افزایش تعداد جمعیت و به تبع آن عدم تکافوی ظرفیت محیطی برای تامین نیازهای مردم	۰/۶۸
		از بین رفتن فرهنگ و آداب و رسوم محلی در زمینه تولید و اشتغال روستایی	۰/۶۱
		عدم رغبت روستاییان برای فعالیت در زمینه صنایع دستی	۰/۵۹
۴	چالش‌های نهادی	کاهش آبهای سطحی بویژه در روستاهای ناحیه مورد مطالعه به دلیل احداث سد شیرین-دره در اصلی‌ترین سرشاخه رود اترک	۰/۷۷
		عدم وجود تعاونی‌های فعال در زمینه بافت فرش و ...	۰/۶۲
		خدمات‌رسانی نامناسب سازمان‌های ذیربط در زمینه توسعه اقتصادی	۰/۷۳
		عدم خرید تضمینی محصولات صنعتی در ناحیه مورد مطالعه	۰/۶۴

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

۵) نتیجه‌گیری

تولید و اشتغال از ارکان محوری توسعه اقتصادی بویژه در نواجی روستایی است. ایران با توجه به ساختار جمعیتی جوان خود، توجه ویژه‌ای به مسئله اشتغال به عنوان چالشی اصلی دارد، به گونه‌ای که بهره‌برداری از ظرفیت عظیم نیروی‌کار بالقوه کشور، خود به تنهایی قادر خواهد بود تا رشد پایدار را برای آینده به ارمغان آورد. اما عدم توجه به این مسئله مهم می‌تواند ضربه سنگین و جبران‌ناپذیری به اقتصاد ایران وارد سازد. از اینرو این پژوهش سعی دارد با استفاده از آزمون تحلیل‌عاملی به بررسی و شناخت دقیق چالش‌های اقتصادی در ناحیه مورد مطالعه بپردازد. مهم‌ترین چالش**ها** در راستای توسعه اقتصادی روستاهای مرزی مورد بررسی و سنجش قرار گرفتند تا اینکه مبتنی بر آن مسئولان و برنامه‌ریزان برای کاهش چالش**ها** و استفادهٔ مطلوب از نقاط قوت در زمینه توسعه اقتصادی روستاهای مرزی گام اساسی بردارند. براین‌اساس برای تحقق این مهم و با توجه به یافته‌های تحقیق و بررسی نظرات و دیدگاه‌های روستاییان، پیشنهادهای زیر ارائه می گردد:

- *خرید تضمینی محصولات کشاورزی و صنایع روستایی و دستی در ناحیه مورد مطالعه*

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- *گسترش و ترویج تعاونی‌های تولید صنایع روستایی و دستی مثل فرش، جاجیم، گلیم و..*
- *اعطای وام‌های کم‌بهره و حتی تسهیلات بی‌بهره در راستای توسعه مشاغل خانگی با عنایت به موانع فقهی و اعتقادی در بین مرزنشینان ناحیه مورد مطالعه*
- *نظارت عالیه دستگاه‌های متولی اعطای وام و تسهیلات با هدف جلوگیری از هدررفت مبالغ و یا هزینه-کرد در فعالیت‌های غیرمرتبط*
- *برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه کارآفرینی به‌منظور تشویق و ترغیب جوانان و زنان روستایی برای مشاغل خانگی زودبازده*
- *بهبود و گسترش فناوری اطلاعات(IT) در ناحیه مورد مطالعه*
- *تلاش مدیران محلی جهت ساماندهی کاربری‌ها و جلوگیری از تغییرات مخرب کاربری‌های اراضی در مناطق روستایی*
- *تقویت مشارکت بخش خصوصی و شهروندان در جهت رشد و توسعه صنایع روستایی*
- *حفاظت از منابع طبیعی از قبیل مناظر روستایی، مزارع و جلوگیری از آسیب‌پذیری*
- *ایجاد بازارهای روزانه و هفتگی صنایع‌دستی و تولیدات کشاورزی و همچنین غرفه‌های کالاهای فرهنگی در روزهای ورود گردشگران و بهره‌گیری از مراسم خاص و بازی‌های محلی جهت حفظ فرهنگ بومی منطقه و افزایش جاذبه‌های گردشگری.*
- *تشویق سرمایه‌گذاران جهت سرمایه‌گذاری در نواحی روستایی مرزی با اعطای تسهیلات ویژه*

۶) منابع

- ارنست اف، شوماخر (۱۳۹۲)، **کوچک زیباست، اقتصاد با ابعاد انسانی**، ترجمه علی رامین، انتشارات سروش.
- پیغامی، عادل (۱۳۹۶) ، **اقتصاد مقاومتی به زبان زن خانه‌دار**، مجله بازار و سرمایه، شماره ۹۵، صص۵۴-۵۳.
- خلیلی، حسام‌الدین(۱۳۹۱)، **مقاومت اقتصادی در پرتو اقتصاد مقاومتی**، مجله کارآگاه، سال ۵، شماره ۲۰، صص۴۳-۲۴.
- رحمانی‌فضلی، عبدالرضا، عزیزپور، فرهاد و مریم شامانیان(۱۳۹۸) **تعیین ظرفیت‌های توسعه کارآفرینی در ناحیه روستایی دامغان**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، شماره ۲۸، صص۱۳۹-۱۳۳.
- سواری، مسلم، شعبانعلی قمی، حسین و محمدشریف شریف‌زاده (۱۳۹۶)، **موانع توسعه اشتغال زنان روستایی در صنایع دستی شهرستان دیواندره**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، شماره۲۱، صص۲۶-۱۷.
- شعبانعلی قمی و مهناز محمدزاده (۱۳۹۰)، **صنایع روستایی**، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- صادقی، حسین و علی قنبری(۱۳۸۸)، **تحولات اقتصادی ایران**، انتشارات سمت.
- عبدالملکی، حجت‌الله(۱۳۹۵)، **اقتصاد مقاومتی: درآمدی بر مبانی، سیاست‌ها و برنامه عمل**، انتشارات دانشگاه امام صادق.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- فال سلیمان، محمود، حجی‌پور، گلسار و جواد میکانیکی(۱۳۹۸)، **اثرات گروه‌های توسعه روستایی بر پایداری اقتصاد فضا، مورد: روستاهای بخش مرکزی شهرستان سربیشه**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، شماره ۲۸، صص ۲۰-۱۵.

- لشکری، محمد (۱۳۹۲)، **توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی**، انتشارات دانشگاه پیام نور.

- مرادی، حوریه و فرهاد جوان (۱۳۹۷)، **عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بنگاه‌های اقتصادی کارآفرینی در روستاهای شهرستان کرمانشاه**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، شماره۲۳، صص۳۶-۱۹.

- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، **گزارش مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران**.

- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، **نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن**، استان گلستان، شهرستان گنبد کاووس.

- مطیعی‌لنگرودی، سیدحسن و علی‌اکبر نجفی‌کانی(۱۳۹۰)، **توسعه و صنعتی‌سازی روستا**، انتشارات دانشگاه تهران.

- نجفی‌کانی، علی‌اکبر (۱۳۹۶)، **تدوین سند راهبردی اقتصاد مقاومتی استان گلستان در حوزه تولید اشتغال و صادرات**، انتشارات بسیج اساتید استان گلستان.

- نظم‌فر، حسین و آمنه علی‌بخشی (۱۳۹۷)، **تحلیل نابرابری فضایی شاخص‌های توسعه در نواحی روستایی**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، شماره ۲۴، صص ۱۶۴-۱۴۵.

- Danaeifard.H.(2004). **requirements of it age. Theorizing in public management**. Quarterly journal of knowledgege of managment.

- Dasgupta and David. (1994). **Ward a new economics of science**.econpapers FAO vol.23.issue5.pp487-521.

- Engestrom Et Al and jonsson.D.(1994). **essembly.a cruxcial learning experience.a international** jornal of human factors in manufactoring.vol 4/no.3. pp.293-303.

- Najafi Kani .A & Arekhi. S. (2014). The r**ole of Tourism in Rural Areas Development with Emphasis on Hydrotherapy (Case study: Larijan District in Amol Township)**.IJACS 261-267.

- Najafi Kani .A (2017) **A Study Of Challenges And Opportunities For The Development Of Tourism In Coastal Villages: The Case Study Of Villages In Babolsar**. ijese.pp. 1765-1776.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]